

محمد اسماعیلی گزارش یک

«تحریم نهادهای انقلابی» فرستی برای جبران شکست امریکا-انگلیس از اغتشاشات برخی از شهرهای کشور است و به همین دلیل است که برخی از مراکز رسمی غرب و شخصیت‌های برجسته این کشورها را زاهدانازی تحریم‌های جدید علیه سپاه پاسداران سخن به میان می‌آورند.

اخیرا خبرگزاری فرانسه به نقل از یک مقام ارشد امریکایی گزارشی منتشر کرده بود که ایالات متحده در حال بررسی گزینه‌های خود برای وضع تحریم‌های جدید علیه ایران به بهانه اغتشاشات اخیر است، این مقام امریکایی که نخواست نامش فاش شود، بیان می‌کند: «انجام این کار به اطلاعات نیاز دارد، بنابراین ما قصد داریم این اطلاعات را گردآوری کنیم تا ببینیم چه کاری می‌توانیم انجام دهیم». ایالات متحده از تمامی منابع در دسترس خود استفاده خواهد کرد تا درباره کسانی که در حال سرکوب، نقض حقوق بشر و توسل به خشونت علیه معترضان هستند اطلاعات لازم را کسب و آنها را وارد دستگاه تحریمی خود کند.» پیش از خبرگزاری فرانسه نیز برخی رسانه‌های غربی گزارش دادند که ایالات متحده امریکا در واکنش به محدودیت‌های اعمال شده بر جریان آزاد اطلاعات در ایران، گزینه تحریم صدا و سیما را به عنوان نهاد ناقض حقوق بشر مدنظر دارد؛ تصمیمی که در صورت اتخاذ دسترسی صداوسیما به امکانات ارسال و دریافت ماهواره‌ای را قطع و منجر به عدم دسترسی به کانال‌های صدا و سیما در داخل و خارج از کشور می‌شود.

تحریم سپاه ایران به **بهانه اغتشاشات** روز گذشته نیز تنها یک هفته پس از اغتشاشات اخیر کشور جمعی از نمایندگان مجلس عوام انگلیس درخواست کردند تا این کشور سپاه پاسداران را یک گروه تروریستی معرفی و سران آن را تحریم کند؛ درخواستی که شباهت فراوانی با تحرکات ضدایرانی کنگره و دولت امریکا در طول سال‌های اخیر دارد و نشان می‌دهد سپاه همانند برخی دیگر از نهادهای برآمده از گفتمان انقلاب اسلامی منافع کشورهای غربی و به‌ویژه امریکا-انگلیس را در منطقه خط انداخته است. در حالی روزنامه تلگراف نوشته برخی از نمایندگان مجلس عوام انگلیس از دولت این کشور در خواست کرده‌اند سران آنچه آنها یگان حکومتی ایران نامیدند، به دلیل تحریم‌های اضافه شود که به نظر می‌رسد حجم طرح‌های تحریمی ضدایرانی در طول ۱۰ روز اخیر پیامد اغتشاشات داخلی کشور است و نشان می‌دهد بدون نتیجه ماندن غائله اخیر برای غرب آنها را به صرفاً انداخته تا برای جبران شکست‌های



پیبایی خود نهادهای انقلابی مانند «سپاه و صداوسیما» را با تحریم‌های جدیدی مواجه کنند. این جمع از نمایندگان پارلمان انگلیس در درخواست مورد اشاره تأکید کرده‌اند که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اغتشاشات اخیر در کشور را سرکوب کرده و در ادامه از دولت این کشور مطالبه‌می‌کنند به کمک سایر متحدان سپاه را از سوریه، عراق و خاورمیانه اخراج کند.

دور باطل

تحرکات چند روز اخیر کشورهای امریکا و انگلیس علیه نهادهای انقلابی مانند سپاه در حالی است که پیش از این نیز قانون کانسا با هدف محدودسازی فعالیت‌های درونی و منطقه‌ای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی صورت گرفت؛ تحریمی که چنانچه کارساز بود امروز پس از گذشت چندین ماه از اجرائی شدن آن غری‌ها را وادار به تحریم‌های مجدد علیه این نهاد انقلابی نمی‌کرد، البته گسترده‌گی قوانین امریکایی‌ها علیه سپاه متنوع است که از جمله مهم‌ترین آن قطعنامه ۱۷۲۷ است، قطعنامه‌ای که پس از ارسال پرونده هسته‌ای کشورمان به شورای امنیت تحت اعمال فشار امریکا توسط فرانسه و انگلیس تهیه و نهائیتاً

قدردانی سپاه از مردم و نیروهای امنیتی در مقابله با فتنه جدید

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در بیانیه‌ای با قدردانی از مردم و نیروهای امنیتی، حماسه ملی ایرانیان در مقابله با آشوب‌ها را باطل‌الفسحر فتنه جدید و عامل از هم گسستن زنجیره به هم پیوسته توطئه امریکا، انگلیس، رژیم صهیونیستی، آل سعود، منافقین و سلطنت طلیان دانست. در بخشی از بیانیه سپاه آمده است: حماسهٔ افرینی جدید مردم غیرتمند و آگاه و مؤمن و انقلابی ایران در کنار درخشش حضور دهها هزار نیروی بسیجی فدائکار داوطلب در صحنهٔ آرام‌سازی آشوب‌ها و مجاهدت خالصانه برادران نیروی انتظامی، وزارت اطلاعات، نجرب به هم پیوسته امریکا، انگلیس، رژیم صهیونیستی، آل سعود، منافقین و

گزارش ۲

هم‌زمان با پایان ناآرامی‌های اخیر در برخی از نقاط کشور،

بیست سپرده متفاوتی از صحنه‌گردانان این وقایع منتشر

می‌شود: تجمعاتی که در ابتدا قرار بود اعتراضی به وضعیت

معیشت باشد اما به یکباره تغییر رویکرد داد و هدف خود

را سرنگونی نظام جمهوری اسلامی ایران قرار داد.

شاید بتوان مجموعه این وقایع را نخستین برنامه رسمی مایکل دی

آندریا مسئول میز ایران در سرویس جاسوسی امریکا CIA دانست؛

فردی که از خرداد ماه امسال و چندماه پس از روی کار آمدن دونالد

ترامپ در امریکا به این سمت رسید تا نشان دهد دونالد ترامپ

تصمیمی جدی برای ضربه زدن به ایران دارد.

مایکل دی آندریا کیست؟

خردادماه امسال بود که روزنامه نیویورک تایمز در مقاله‌ای از انتصاب دی آندریا به عنوان مسئول میز ایران خبر داد و گزارشی پیرامون اقدامات وی نوشت. این در حالی بود که پیش از آن رکس تیلرسون، وزیر خارجه امریکا گفته بود سیاست دولت این کشور

در قبال ایران «انتقال سلامت‌آمیز» قدرت است و چند روز پیش از صحبت‌های وزیر خارجه امریکا، نیویورک تایمز مقاله‌ای منتشر و در آن عنوان کرد که «چالش به اجرا درآوردن دیدگاه‌های دونالد ترامپ درباره ایران در سازمان اطلاعات مرکزی ایالات متحده امریکا بر روش فردی به نام مایکل دی آندریا قرار دارد.» به نوشته این روزنامه امریکایی دی آندریا در سازمان مرکزی اطلاعات امریکا به «شاهزاده تاریکی» یا «ای‌الله مایک» معروف است؛ کسی که مسئول شکار اسامه بن لادن، رهبر پیشین شبکه تروریستی القاعده و کشتن هزاران شبه‌نظامی اسلام‌گرا و صدها غیرنظامی در کارزار حملات پیهادهای امریکا در پاکستان و یمن بوده است.

به گفته مقام‌های کنونی و قبلی‌اطلاعاتی، «مایکل دی آندریا» اینک مسئول بخش عملیات ایران در سی‌آی‌ای است. این انتصاب و معرفی مدیر جدید ضد تروریسم از تشدید رویکرد سی‌آی‌ای در حوزه جاسوسی و عملیات مخفی حکایت دارد. نیویورک تایمز سپس ادعا کرده است ایران یکی از دشوارترین هدف‌های سی‌آی‌ای بوده است. سازمان مرکزی اطلاعات امریکا دسترسی بسیار محدودی به ایران دارد و سازمان‌های اطلاعاتی ایران نزدیک

پایگاه

سرویس سیاسی،۸۸۴۹۸۴۳

ایالات‌متحده امریکا و انگلیس طرح تحریم‌های جدید علیه نهادهای انقلابی را کلید زدند

تحریم سپاه و صداوسیما، نخستین برنامه دشمن پس از اغتشاش

راستی که وجه مشترکی بین اصلاح‌طلبان و دولت با غرب در نگاه به صداوسیما و سپاه وجود دارد



این سازمان در فهرست تروریستی امریکا می‌شود. به بیان بهتر امریکایی‌ها معتقدند تحدید فعالیت‌های سپاه پاسداران در عرصه داخلی و منطقه‌ای می‌تواند ضربات گسترده‌تری به اقتصاد ایران وارد کند چراکه سپاه پاسداران نه تنها بسیاری از اهداف نظام سلطه در منطقه غرب آسیا را با موانع جدی روبه‌رو ساخته است بلکه به راحتی توانسته تحریم‌های ضدایرانی را دور زده و در حه اثرگذاری آن بکاهد. پیش‌بینی می‌شود که درخواست اعمال تحریم علیه نهادهای انقلابی در روزهای آتی شکل جدی‌تری نیز به خود خواهد

گرفت، این در حالی است که پایگاه تحلیلی «واشنگتن فری پیک» نیز با تأکید بر اینکه مقامات امنیت ملی کاخ سفید هم اکنون بر توسعه راهبردهایی به منظور حمایت و تقویت آشوب‌ها در ایران مصر هستند، بیان می‌کند: «کاخ سفید با ضرب‌الاجلی مواجه است که می‌تواند دولت امریکا را وادار کند که همچنان لغو تحریم‌های ایران را تمدید کند. مقامات ارشد کاخ سفید تصریح کرده‌اند در موضع سختی قرار دارند زیرا همچنان روی مسئله حمایت‌ا معترضان ایران از طریق طیفی از اقدامات از جمله تلاش برای تقویت ناراضیاتی

این سازمان در فهرست تروریستی امریکا می‌شود. به بیان بهتر امریکایی‌ها معتقدند تحدید فعالیت‌های سپاه پاسداران در عرصه داخلی و منطقه‌ای می‌تواند ضربات گسترده‌تری به اقتصاد ایران وارد کند چراکه سپاه پاسداران نه تنها بسیاری از اهداف نظام سلطه در منطقه غرب آسیا را با موانع جدی روبه‌رو ساخته است بلکه به راحتی توانسته تحریم‌های ضدایرانی را دور زده و در حه اثرگذاری آن بکاهد. پیش‌بینی می‌شود که درخواست اعمال تحریم علیه نهادهای انقلابی در روزهای آتی شکل جدی‌تری نیز به خود خواهد گرفت، این در حالی است که پایگاه تحلیلی «واشنگتن فری پیک» نیز با تأکید بر اینکه مقامات امنیت ملی کاخ سفید هم اکنون بر توسعه راهبردهایی به منظور حمایت و تقویت آشوب‌ها در ایران مصر هستند، بیان می‌کند: «کاخ سفید با ضرب‌الاجلی مواجه است که می‌تواند دولت امریکا را وادار کند که همچنان لغو تحریم‌های ایران را تمدید کند. مقامات ارشد کاخ سفید تصریح کرده‌اند در موضع سختی قرار دارند زیرا همچنان روی مسئله حمایت‌ا معترضان ایران از طریق طیفی از اقدامات از جمله تلاش برای تقویت ناراضیاتی

کوتاه

آیت‌الله مجتهد شبستری:

ضدانقلاب، حقیقت‌گویی صداوسیما را برنمی‌تابد

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت: صداوسیما همواره در بیان حقایق موفق بوده است و ضد انقلاب و معاندان نظام این را بر نمی‌تابند. آیت‌الله محسن مجتهد شبستری عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در گفت‌وگو با باشگاه خبرنگاران، با اشاره به تحریب‌ها و هجمه‌های سازمان صداسیما، اظهار کرد: صداوسیما همواره در بیان حقایق موفق بوده است و در اغتشاشات اخیر هم واقعیت‌ها را به مردم نشان داد. وی با بیان اینکه رسانه ملی مسائل و مباحث را همانگونه که هست برای مردم بازگو می‌کند، گفت: در حوادث اخیر صداوسیما کارنامه موفق‌ی از خود ارائه کرد. ضدانقلاب و معاندان

توصیفی می‌نماید. کارشناسان امریکایی معتقدند این تصمیم ترامپ می‌تواند با هدف قدرتمندی مقابل ایران هم اتخاذ شده باشد.
■ امریکا و بازگشت به رویکرد گذشته
اما جهت‌گیری کلی سیاست خارجی دولت امریکا در برابر ایران، از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی، نشان‌دهنده دشمنی آنها با نظام جمهوری اسلامی و براندازی آن بوده است. امریکایی‌ها در این راه از هیچ اقدامی از نا مؤثر می‌دانستند، روزگزار نکردند. این اقدامات در دهه نخست انقلاب اسلامی، یعنی از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۶۷ بیشتر نظامی و سخت‌افزاری بود که به عنوان مثال می‌توان از جنگ محرب و خانمان سوز عراق علیه ایران به مدت هشت سال، تجهیز کامل تسلیحاتی و حمایت قاطع سیاسی از رژیم بعث عراق، رویارویی مستقیم ارتش امریکا با ایران در جنگ خلیج فارس، کودتای نظامی نژوه، حمله نظامی برای از‌دسازی گروه‌گان‌های امریکایی، حمایت از منافقین در انجام ترورهای کورو ترور شخصیت‌های عالی‌رتبه نظام تحریم‌های نظامی و اقتصادی و بایکوت سیاسی در مجامع بین‌المللی نام برد. این سیاست، رویکرد غالب دولت ایالات متحده امریکا در براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران، در دهه اول انقلاب بوده است.

امریکایی‌ها پس از تحمل شکست‌های بی‌دری و اذعان به ناکارآمدی این سیاست در سرنگونی نظام جمهوری اسلامی، از دهه دوم انقلاب، جهت حرکت‌های تخریبی و براندازانه خود را به سوی پروژه‌های نرم‌افزاری تغییر دادند و تلاش خود را معطوف به براندازی از درون نظام کردند؛اتفاقی که با شکست روبه‌رو شد و آنان بار دیگر استراتژی جدیدی را سرلوحه کار خود قرار دادند. بر این اساس در دهه سوم انقلاب این رویکرد وارد فاز جدیدی شد و آنان کوشیدند با بهره‌گیری از اتهامات مختلف در حوزه حقوق بشری و هسته‌ای تحریم‌های سختگیرانه‌ای را علیه ایران به کار بندند و کوشیدند از این مسیر نظام را زمینگیر کنند اما این پروژه نیز ناکام ماند. حالا با انتصاب دی آندریا به سمت مسئولیت میز ایران در CIA و اجرائی نخستین پروژه‌هاش علیه ایران، این موضوع به اثبات رسیده که امریکا در حال بازگشت به پروژه‌های قدیمی خود در خصوص براندازی نظام از درون است که به نظر می‌رسد تیراול آنها در این مسیر به سنگ خورد.

دنیای مجازی

باید درهای پشتری را ببندیم

سعید جلیلی نماینده رهبر انقلاب در شورای عالی امنیت ملی در تویتر خود از ضرورت رفع تبعیض جهت مبارزه با فقر و فساد نوشت: نمی‌شود برای رفع تبعیض به جنگ فقر و فساد رفت. اگر مبارزه با فقر و فساد به نتیجه نمی‌رسد به دلیل تبعیض در برخورد و برخوردی‌هاست، یعنی برای وام ۵ میلیون هشت مدرک و دو ضامن لازم است، ولی برای وام هزار میلیاردی یک تلفن! اگر می‌خواهیم مردم همچنان پشتوانه نظام باشند باید درهای پشتری را ببندیم.

علیزاده: پادوهای امریکاراه تقیه را یاد گر فتنه‌اند

علی علیزاده تحلیلگر مسئل سیاسی مقیم انگلیس توجیه‌گری دور جدید تحریم‌های ضد ایرانی امریکا توسط پادوهای امریکا در داخل کشور را وظیفه جدید آنها دانست و نوشت: پادوهای امریکا راه تقیه را یاد گرفته‌اند، از مسیح علی‌نژاد و شیرین عبادی تا سعید قاسمی نژاد و مازیار بهاری چون می‌دانند ترامپ منفور است در گم می‌کنند و مرتب به قانون «هتج سفر» ترامپ حمله می‌کنند اما کلمه‌های علیه تحریم‌ها نمی‌گویند، وظیفه شان بزرگنمایی شرایط برای توجیه دور جدید تحریم‌هاست.

■ آهیج راه بهبودی نیست؟

حسین دهباشی کارگردان مستند تبلیغاتی روحانی در سال ۹۲ در تویتر خود ضمن انتقاد از اوضاع نامناسب کسب و کار خود نوشت: به هر کجا از ایران که می‌روی به جز تهران، اصفهان، قم و مشهد و تا حدودی تبریز کسب و کار و صنعت و تجارت به سختی نفس می‌کشد و مردم معمولی از فرط درد به ناله افتاده‌اند. آهیج راه بهبودی نیست؟

■ جایگزینی برای دست‌بندی سیاسی

آیت الله میرباقری رئیس فرهنگستان علوم اسلامی قم در تویتر خود با عنوان اینکه صف بندی اصولگرا و اصلاح‌طلب دیگر جواب نمی‌دهد، جایگزینی برای دست‌بندی‌های سیاسی مطرح کرد و نوشت: صف بندی اصولگرا و اصلاح‌طلب دیگر جواب نمی‌دهد! باید مرزبندی‌های سیاسی را بازسازی و نوسازی کنیم، باید برویم سراغ به دست بندی دیگر: «جریان فریگرا» و «جبهه انقلاب.»

ادراکات

زینب عامری

دستاوردها آرام‌سازی‌ها

برای ضدانقلاب چیست؟

فتنه اخیر اگرچه با نطفه مطالبه اقتصادی و اعتراضات معیشتی بسته شد اما نوزاد آن «شوب کوری» بود که تنها صدایی که از حلقوم آن شنیده نمی‌شد حقوق معیشتی مردم بود. ماهیت وجودی نوزاد نوب‌سیده فتنه را باید تنها موج سواری ضدانقلاب بر احساسات جریعهدار شده مردم از سیاست‌های اقتصادی تا کارآمد دولت و افزایش مشکلات ناشی از آن دانست که از همان آغاز توسط بقایای فتنه و نفاق در کشور راه خود را اوتوماتیک بر و برنامه‌ریزی محصل از «مطالبه» به سمت «مقابله»گرگون ساخت. اگر چه خیزش مردمی در مقابل آشوب‌ها مانند همیشه سد راه موج سواری ضدانقلاب گردید اما بررسی دستاوردها و منافع گسیل شده به سید معاندان ایران اسلامی، جهت شناخت زمینه‌های فتنه اخیر و آینده پژوهی آن در برهه کنونی ضروری به نظر می‌رسد:

۱- بدون شک اغتشاشات اخیر معادلات موجود در رابطه با برجام را برهم خواهد زد و گریز گاهی برای فرصت‌طلبانی چون ترامپ باز خواهد کرد. حتی ممانعت جریان‌های موازی با ترامپسم در امریکا و تلاش برای حفظ نمادین توافق با حسن روحانی به راه دستبرد بیشتری را به سایر عقیم برجام نمی‌شاند و با «لقای ایران نامن» تشدید امتیاز خواهی را شاهد خواهیم بود. روتریزر به نقل از کاخ سفید نوشت: «دولت ترامپ اغتشاشات در ایران را وارد موازنه با ایران در رابطه با برجام خواهد کرد.»

۲- پروژه تا کارآمدنمایی جمهوری اسلامی – که به الگوی فکری سیاسی برخی کشورهای منطقه و جهان مبدل شده است- مدت‌هاست توسط مخالفان انقلاب اسلامی دنبال و پیاده‌سازی می‌شود. دامن زدن به ناراضی‌ها و به خیابان کشیدن مردم، تبدیل اعتراضات به آشوب و تخریب گری، بدبینی نهادینه شده به حکومت و تعمیق شکاف میان ملت و حکومت بخش ثابتی از این پروسه است که پازل تا کارآمدنمایی انقلاب اسلامی را تکمیل می‌کند و عمق الانساف گاه مردمی را که خود آسیب‌دیده ناسامانی اقتصادی هستند به قریب‌گاهد اهداف سیاسی سپاه خود می‌برد.

۳- بدل‌سازی از پیام وحدت و همبستگی در حماسه ۴۹ و القای گذار به سمت یک جامعه چنددسته‌ای در قلب جمهوری اسلامی را شاید بتوان مهم‌ترین «سود فکری» آشوب‌های ضد انقلاب دانست. اعتراضات سران امریکایی به صداوسیما ایران، عملکرد دولت و سایر ارگان‌ها در مقابل آشوبگران بخشی از همین نمایش عدم وحدت در ایران است. بااین تفاوت که در فتنه‌های پیشین شاهد استراتژی شکاف و سپس تحریک یک جریان علیه نظام بودیم اما در فتنه اخیر تلاش جهت تجمیع قدرت انباشته تمام جریان متناقض، مخالف و حتی منفعل رویا روی نظام با پرچم «عدالت اقتصادی» به شدت احساس می‌شد.

۴- این ناآرامی‌ها کشور را در تنگنایهای اقتصادی بیشتری قرار خواهد داد و دست معاندان رایش از پیش جهت فعال کردن گزینه فشار اقتصادی با هدف امتیازگیری سیاسی باز خواهد کرد. کاهش سرمایه‌گذاری خارجی و حتی داخلی و افزایش تحریم‌ها نمونه‌های مشهود و شناخته شده این تنگنایهای اقتصادی هستند. جریان‌هایی که با داعیه مشکلات معیشتی مردم به آشوب دامن زدن در مقابل سپر لزه‌های زیانبار آن روی بورس، ارز، مبادلات بین‌المللی بین بانکی و غیره تنها سپر سکوت پیش روی خود گرفته‌اند!

۵- هم‌زمان با فعال شدن فشارهای اقتصادی در انتظارات و فشارهای سیاسی علیه جمهوری اسلامی نیز به کار خواهد افتاد و فشار دوجانبه‌ای را متوجه کشور خواهد کرد. اتهام «سب‌است‌های نامن‌کننده» و سپس وادارسازی ایران به تغییر و دست کم تقبیرو از مواضع داخلی و منطقه‌ای خود حیظه مانور بسیاری مالک غربی- عربی و وابستگان فکری آنان خواهد بود. قد قذشکی برخی کشورهای منطقه‌ای که با جمهوری اسلامی عناد ندارند اما داخلی یا قیابیل منفعتی دارند چون قطر و بحرین را نیز باید به این صف افزود!

۶- شکست فتنه اخیر را نباید محصل «جهل شناختی» دشمن دانست بلکه نحوه عملکرد دی ضد انقلاب در فتنه پیشین افزایش کمی و کیفی شناخت نسبت به اوضاع داخلی ایران را می‌رساند. زمینه‌های تاریخی- سیاسی- که در فتنه‌های گذشته محوریت داشت- دیگر به تنهایی قادر به تجمیع‌سازی برای اغتشاش نبود. کشاندن مردم به خیابان‌ها و تجمع‌سازی از آنان با پشتیبان‌محوری از دولت و شعارهای اقتصادی و سپس چرخاندن نوک پیکان به سمت نشان نظام از شناخت عمیق و لحظه‌ای دشمن از اوضاع داخلی ایران اسلامی است.

۷- شناسایی اهرم‌های انسانی و غیر انسانی جدید در داخل ایران که می‌تواند به وقت ضرورت در خدمت اهداف آنان باشد دستاورد مهم دیگری است. اهرم‌های انسانی چون انقلابی نهادهای که مسیر مشابهی با ضدانقلاب در پیش گرفته‌اند و به جای حل مشکل داخل ساختار به ساختار شکنی روی آورده‌اند و زین پس محل اتکا و سرمایه گذاری بیشتری برای ضدانقلاب خواهند بود. اهرم‌های غیر انسانی نیز مانند فضاهای ارتباطی نوین و شبکه‌های مجازی برای ارتباط‌گیری با مردم و پیشبرد اهداف و مقاصد خود از این طریق؛ شبکه‌هایی که با سرمایه‌گذاری همین کشورها و اغلب به صورت رایگان در اختیار همگان در داخل ایران قرار گرفته است!

دشمن محرم بودن آن و بیادری همیشگی آنان برای سرنگونی این انقلاب از هر جهت سودی منکر است. اشاعه دانش سیاسی و آگاهی بخشی سیاسی و اجتماعی پس از کاهش معضلات اقتصادی می‌تواند گامی در جهت بصیرت افزایی و عدم تأثیر پذیری احساسی از این جریان‌ها و هم‌راه نشدن با آنان باشد.